



محمد بحرینی روزنامه‌نگار

یازدهمین قسمت از فصل سیزدهم مجله تصویری علوم انسانی «زاویه»، با موضوع «ایده نهاد علم برای ارتقای اسلامیت نهاد سیاست در ایران؛ با سردبیری و اجرای حبیب رحیم‌پور ازغدی و با حضور حجت‌الاسلام سیدعباس نبوی، دانشیار اندیشکده سیاست مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و حجت‌الاسلام علیرضا پیروزمند، عضو هیات امنا و عضو شورای علمی گروه فلسفه اصول و فقه حکومتی فرهنگستان علوم اسلامی، از شبکه چهار سیما پخش شد.

۱۱۱

جمهوری اسلامی پس از گذشت ۴ دهه چه اندازه در پیاده‌سازی شایسته‌وجه اسلامیت خود توفیق داشته‌است؟ مراد از اسلامیت در نظام جمهوری اسلامی چیست و به چه اعتباری یک نظام سیاسی را باید اسلامی نامید؟ آیا می‌توان گفت نهاد سیاست در ایران در پیشبرد شایسته اسلامیت به‌اندازه کافی کامیاب نبوده‌و بار آن را به دوش مردم گذاشته‌است؟ چه فرآیندی را باید در پیش گرفت که توفیق جمهوری اسلامی در تحقق اسلامیت افزایش یابد؟ با نگاه ساختاری چه گلوگاه‌هایی در ساختار جمهوری اسلامی قرار داده شده که اسلامیت نظام را تضمین کند و آیا این ارکان تا به امروز کارآمدی داشته‌است؟

نبوی: اسلامیت جامعه‌ما و نظام جمهوری اسلامی در سه مرحله و سطح قابل تفسیر است. سطح اول اسلامیت، آن چتر کلی و فراگیری است که بر جامعه افکنده می‌شود. میزان و معیار پایه‌ای در جامعه‌ودر نظام جمهوری اسلامی مطرح می‌شود. نقل از فرهنگ گرامی اسلام است که می‌فرماید: «ان الله يستحبی ان یعذب امة دانت بامامة امام عادل» خدا حیا می‌کند امتی که رهبری و امامت عادل را پذیرفتند و قوام و استحکام این رهبری را حفظ و همراهی می‌کنند و لو کانت ظالمة فاجرة» خیلی تعبیر عجیب است، حتی اگر این امت که امامت عادل را پذیرفتند، فسق و فجور بین شان باشد. از آن طرف می‌فرماید که: ان الله لا يستحبی ان یعذب امة دانت بامامت امام ظالم فاجر» اگر امتی امامت‌ظالم فاجر را بپذیرند، پیشوایی و رهبری ظالم فاجر را بپذیرند، خدا حیا نمی‌کند از اینکه آنها را عذاب کند و لو کانت برة مصیبة» اگرچه در بین‌شان بسیار کارهای نیک و بسیار ثواب انجام دهند.

در مرحله دوم اسلامیت نظام و جامعه به این است که در تمامی حوزه‌ها وعرصه‌هایی که جامعه دارد حرکت می‌کند، قواعد پایه‌ای برای حرکت و رشد جامعه اخذ شده‌است و آن معیار و مقیاس پایه باشد. در سطح سوم مساله این است اسلامیت نظام بتواند ساختاری را پوشش دهد و شکل دهد که این ساختار، علم و دانش تجربی و عقلانیت و آنچه از تجربه خالص بشر و تجربه ناخالص بشر و عقلانیت آموخته‌و ناآموخته‌بشر استمداد می‌گیرد، اما راهنما و مسیر حرکتش را در بنیان خودش با سازوکار، گردش کار و ساختاری که از اسلام اخذ کرده، همراه می‌کند.

از کاش را برشمردید، یعنی هر کدام از این ارکان باید وصفی داشته باشند یا مابن‌توانیم به‌اسلامی بودنش حکم کنیم.

پیروزمند: فرمایش جناب نبوی را با قالب دیگری بخوام عرض کنم، این اسلامیت هم باید وصف قالب نظام شود هم وصف محتوای نظام. قالب منظور آن شاکله، ساختار و جریان نظام‌مندی است که در حاکمیت کشور شکل گرفته و محتوا منظور آن فرهنگ پیام و روابطی است که در درون این ساختار شکل گرفته‌است. در مرحله‌ای که انقلاب اسلامی شکل گرفت و نظام اسلامی را شکل دادند، آن جنبه ساختاری بنیان اولیه‌اش شکل گرفت. از طریق مرجعیت پیدا کردن اسلام در قانون اساسی، از طریق مرجعیت، پیدا کردن ولایت‌فقیه در قانون اساسی و یک ادعای مهم در قانون اساسی که ولایت فقیه در هر قانون و امر بایدین دستلی که مخالف با اسلام باشد از نظر قانون اساسی اعتبار ندارد، این اصل، یک اصل محوری و حاکم در قانون اساسی بود که به‌این ترتیب خواست به اسلامیت آنچه در درون این نظام شکل می‌گیرد و اتفاق می‌افتد، ضمانت‌دهد. به همین دلیل قوایی که در کشور شکل گرفتند چه قوه مقننه، مجریه و قضائیه همه به‌نوعی مشروعیت خود را از اسلام می‌گیرند. کفر قوه مقننه، شورای نگهبان گذاشتن برای اینکه عدم مغایرت با قوانین شرع را احراز کند. قوه مجریه به‌ولو از طریق اولی مردم انتخاب می‌شود، اما رأی مردم را باید ولی فقیه تنفیذ کند. همچنین در قوه قضائیه هم که ریاست قوه قضائیه مستقیما توسط رهبری معظم‌منصوب می‌شود، بنابراین به این ترتیب چه به‌واسطه قانون و چه به‌واسطه تاثیر مستقیم و تصمیم‌گیری مستقیم رهبری به‌عنوان حاکم اسلامی، شاکله نظام و جمهوری اسلامی در پیوند با اسلام شکل گرفت و همین بنیان این رافراهم کرد؛ اول که نظام اسلامی طراحی شد براساس مردم‌سالاری دینی شکل بگیرد. یعنی در عین اینکه آن جمهوری را به جد، محکم و با شدت دنبال و اعتنا کرد و تا سال‌ها هم ادامه دارد، اما این جمهوریت با آرمان‌های انقلاب و با جریان ولایت الهی پیوند خورد و سعی شد این دوگانگی بین جریان ولایت الهی و ولایت مردم با همدیگر از بین برود. چه اینکه رفته؛ هم از نظر تئوریک را چه به آن بحث‌های مفصلی شده و هم در عمل نشان داده‌شدن این اتفاق می‌افتد. این جنبه شکلی ماچرا[است].

اما این قسمت، قسمت لازم اما کمتر سخت ماچراست. قسمت بعدی که باید اسلامیت نظام را جست‌وجو و دنبال کرد و احتمال می‌دهم بینندگان محترم هم بیشتر علاقه‌مند باشند راجع به این قسمت صحبت شود، این است که قرار بوده این ساختار یک ابزار و سامانه و بستری باشد برای اینکه حقیقت اتفاق بیفتد. حقیقت اسلام یعنی آن احتوایی که در رساله، خانواده، نظام آموزشی، بازار و روابط خارجی است. اینها آن واقعیت زندگی فردی و اجتماعی ما را شکل می‌دهد و اساسا انقلاب و حاکمیت اسلامی برای این بوده‌و برای اینکه مردم تجربه‌یسته متفاوتی را زیر بیرق اسلام تجربه کنند. نه فقط بیرق سیاسی اسلام، بلکه زندگی با معیارها و آرمان‌های متفاوتی را تجربه و لمس کنند.

اینکه می‌پرسم وصف اسلامیت یک نظام سیاسی منوط به چه چیزی است به تعبیر دیگر می‌شود این طور تکرارش کرد که چه‌زمانی جمهوری اسلامی دیگر جمهوری اسلامی نیست؟
نبوی: به‌عنوان رکن و اساس جامعه، باشد آن موقعی که این ولایت و



در مجله تصویری علوم انسانی زاویه مطرح شد

در جست‌وجوی سنجه اسلامیت جمهوری اسلامی

رهبری دینی رانداشته‌باشیم، این کلیت قضیه؛ اما اگر در ساختارها و سه قوه برگردیم و کارکرد و عملکرد سه قوه را بخوایم نگاه کنیم آن زمانی که قواعد حرکت دهنده این قوا، با معیارهای پایه و قاعده‌مندی اسلامی خارج می‌شود آن قوه مربوطه دیگر اسلمی نیست و ممکن است به‌عنوان کلیشه‌های و شناسنامه‌ای یک اسم اسلامی هم کنارش بگذاریم، ولی وقعا دیگر اسلامی نیست. مثلا شمارد بخش اقتصاد، وقتی نمی‌توانید قاعده‌ای را به‌دست بیآورید که میان رشد، نقدینگی و مساله ربوی نبودن و رقابت و خلاقیت، یک قاعده پایه جمعی درست کند، بخش اقتصادی شما اسلامی نیست. الان در جمهوری اسلامی بخش اساسی مشکل ما در همین بخش است. اصلا به همین دلیل به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت احتیاج داریم. من می‌خواهم اینجا مقداری از بحثی که جناب آقای پیروزمند فرمودند، جداشوم. آن مقداری که مادم ساختارهای عقلانی-تجربی می‌خواهیم جلویابیم، اینکه بتوانیم قواعدی را که از اعتقادات و فقه به‌دست می‌آوریم با نوعی از ساختارها-که کارکردهای روان و کارآمد دارند- همگام کنیم، کار بسیار ظریفی است. اینجا سه فکر تا حالا بیرون آمده‌است. دواتش تجربه و بحث شده‌است. ممکن است آقای پیروزمند بگویند یکی از آن دوتا تجربه نشده‌است. ولی من به‌نوعی می‌خواهم بگویم آزمون خودش را تا حدی پس داده‌است. یک فکر اینکه درحقیقت ما اصل آن چیزی که در دنیا جاری است در قواعدی که جاری هست، همین مسائل اجتماعی، مثلا سن بلوغ، حقوق زنان و مسائل توازن حقوق عامه و عمومی داریم، همین بحث‌هایی که مطرح است، ما بیابیم آنها را املاک و اصل بگیریم بعد تلاش کنیم از درون مباحث دینی یک جوری باصل مسائل را به هم بخورانیم. یک بنیان پایه و قاعده‌مندی پایه‌ای پیدا نکند. بخش اعظمی از این ۴۰ سال این طوری سپری شده‌است.

یک [فکر] دیگر [این است] که عکسش را انجام دهیم. بخوایم ریز ساختارها و عملکرد از جلوی در [و از آدران] سازمان‌ها که می‌خواهند کار کنند تا بالاترین رده سازمانی را همه مناسبات را از اسلام و از درون اسلام بیرون بیاوریم. این هم کار امکان‌پذیری نبوده‌است. [مثلا] در قوه قضائیه آمدند گفتند ما اصلا تباری به دادسرا و مرحله بازپرسی نداریم. اصلا برداشت و استنباط بود که ما در فقه اسلامی می‌گوییم این کارها را هم قاضی خودش انجام دهد. بعد یک دوره‌ای تلاطم عیبی در قوه قضائیه اتفاق افتاد و دورتربه به دوره اولیه خود برگشتند. ما چاره‌ای غیر از این نداریم که وقتی مبناسازی می‌کنیم و از اسلام مبانی را استخراج می‌کنیم، بتوانیم بر بستر حرکت تجربی-عقلانی جامعه این راه را به جریان بیندازیم. این کار، کار بسیار ظریفی است. ما در سال‌های دینی حتی خرده قواعدی داریم که وقتی می‌خواهیم اینها را در درون یک ساختار جمع کنیم، زحمت بسیار فراوانی را می‌برد.

شما فرض کنید این خانسی که آمده کار ضد انقلابی و ضد امنیتی کرده‌است بعد محاکمه شده و حکم هم برایش صادر شده، آمده‌دارد زندانش را طی می‌کند. ما موازین و توصیه‌های دینی فراوانی داریم که این شخص می‌مادر است، شما نباید او را از فرزندش محروم کنید. بنابراین ما بحث جمع بین این قواعد و الزامات ساختاری، کار بسیار بزرگ و سنگینی داریم. مانی توانیم بیاییم مساله ربوی نبودن گردش نقدینگی را با جعاله حل کنیم. امکان ندارد با جعاله حل کنیم، بلکه باید بتوانیم مبنای پایه خودمان را در گردش پول و نقدینگی تعریف کنیم و شکل دهیم و از دین استخراج کنیم، اجزا وابعادش را در جریان بیندازیم، بعد آن وقت حرکت پول و نقدینگی در جامعه و بازار در تعریفی که در اقتصاد انجام می‌شود و آن چیزی که در علم اقتصاد وجود دارد این را بتوانیم با هم همگام کنیم. اگر این راه را نتوانیم برویم، همیشه [وضع] دوگانه پیدا می‌کنیم. دین باید تولید قواعد کند و قواعد حرکت اجتماعی را در همه عرصه‌ها شکل دهد، بعد بستر عقلانیت و تجربه جامعه این را جذب کند و بتوانیم این را به‌صورت یک ساختار جمعی در بیاوریم. ولایت فقیه، رهبری دینی و امامت عادل رکنیت را شکل می‌دهد. همان عمود خیمه‌ای که به استحکام این، باید بقیه این خیمه درست پهن شود و جلورود. اما به‌صرف داشتن این عمود ما فکر کنیم همه بخش‌ها درست کار می‌کند که تعبیر قابل قبولی نیست.

پیروزمند: اگر محتوا در بستر این شکل و قالب نتواند تولید شود و به جریان بیفتد، طبیعی است که کار به ثمر نمی‌رسد. من فکر کنم آقای نبوی مقداری تند رفتند، یعنی کارهای بحث را سربعد برداشتند. من به‌نمایندگی از بینندگان محتمل برنامه، می‌خواهم این طور عرض کنم که شما شعارهایی دادید که اگر اسلام شود عدالت محقق می‌شود، آزادی داریم، همه اهل حلال و حرام و نمازخان می‌شوند، اخلاق اسلامی رعایت می‌شود، همه به هم اعتماد دارند، اختلافن نمی‌کنند، رشوه نمی‌دهند و حاکمان درد مردم را دارند، برای مردم دل می‌سوزانند، در درون مردم و با مردم هستند... این حرف‌ها را زدید. الان بعد از ۴۰ سال بیاید به خودتان نمره دهید. اگر اینهایی که شما گفتید ملاک اسلامیت است، الان شما بیاید وضعیت حجاب و عفاف را، وضعیت فساد را، وضعیت فقر را، وضعیت مسائل اجتماعی را، حاشیه‌نشینی و طلاق را، وضعیت

اندیشه

شنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۸ شماره ۲۸۸۳

۱۹



فلان وفلان و اقتصاد را نگاه کنید، ببینید اسلام این را می‌خواسته [است]؟ شما به چه جزآتی گرن‌تان را راست می‌گیرید و می‌گویید ما مجری اسلام هستیم؟ اگر اسلام این است آن اسلامی که ما برای آن انقلاب کردیم، این نیست. اگر این اسلام نیست پس چرا شما به‌عنوان اسلام دارید بر گرده ما حاکمیت می‌کنید؟ خودتان دست‌تان را بالا ببرید، بگویید ما نتوانستیم. این را جواب دهید.

نبوی: حالا شما یک قدری جلو بیایید و بگویید «چرا؟» چرا به اینجا می‌انجامد که بخش‌هایی مسیرهایی را می‌روند، قانون‌هایی گذاشته می‌شود، عمل می‌کند، حالا فرض کنیم این قانون‌ها ۷۰، ۸۰ درصد عمل شده، نمی‌توانیم بگوییم که عمل نشده، بعد نتیجه خروجی این‌نگاه می‌کنیم این است. در قانون کار می‌بینیم این است. در کمیسیون قوانین شهرداری‌ها، کمیسیون ماده ۱۰۰ می‌بینیم این است. در قانون گردش نقدینگی می‌بینیم این است. در قانون وام دادن بانک‌ها و مسائل گردش نقدینگی که در درون بخش‌های خصوصی حرکت می‌کند، می‌بینیم این است. در خصوصی سازی و

واگذاری کار-خانه‌ها، همه اینها قانون دارد. چرا این اتفاق می‌افتد؟ **پیروزمند:** برای پرداختن درست به این موضوع به‌نظر ما و بینندگان و جامعه‌نخبگان، باید یک مقدماتی را با هم به توافق رسیده‌باشیم.

مقدمات برای چه؟ برای اینکه می‌خواهیم پاسخ این شبهه و ابهامی که عرض کردم را بدهیم که آیا این قضاوت، قضاوت درستی است یا نیست یا چقدر درست است؟

چند مقدمه و فکر کنیم همه توافق داریم... اولاً اینکه در تجربه اسلامی سازی یک جامعه و بالاتر از آن یک تمدن، ما یک راه نرفته را داریم می‌رویم. غالباً براساس مشاهدات شخصی و پیرامونی خودمان نمی‌رویم. یعنی اینکه پیرامون ما، دائم در حال سنگ اندازی است برای اینکه ما این راه را نرویم و نتوانیم موفق شویم و علاوه بر اینکه مانع برای این حرکت ایجاد کرده و سعی می‌کند یک بدل‌هایی درست کند که از طریق آن بدل‌ها ذهن‌ها را منحرف کند. سوم این است که مقدرات زمانی و امکانی ما در مقیاس با تحقق چنین امری چقدر بوده‌است؟ با آن واقعیتی که می‌توانستیم نقدش کنیم و به خدمت بگیریم، چقدر بوده‌است؟ چهارم [اینکه] اسقف انتظارات معقولی که ما باید ترسیم می‌کردیم چیست؟ اینکه من به‌عنوان طلبه بنشینم فهرستی از مطلوبات و آموزه‌های اسلامی که مطلوب است را بگیریم اینکه کاری که ندارد. بعد هم بگوییم همه این اصول و مقدمات قرار بوده محقق شود. دو ملاحظه را هم باید توجه کنیم. ملاحظه اول اینکه در برآورد نسبت به این ماجرا و پاسخ به‌این سوال، غالباً براساس مشاهدات شخصی و پیرامونی خودمان قضاوت می‌کنیم. ملاحظه دوم که از نظر من مهم‌تر از اولی است این است که در قضاوت نسبت به اینکه جمهوری اسلامی موفق به دفاع از اسلام و جریان اسلام شده یا نه، بین برآوردهای بخشی و جزئی و درون جامعه‌ای با برآوردهای کلان و راهبردی و برآیندی باید فرق گذاشت. این فرقی است که معمولاً گذاشته نمی‌شود.

باید نسبت به اینکه جمهوری اسلامی [یعنی] این پرچم، این حاکمیت، با مجموعه کاستنتی‌ها و توانمندی‌هایی که در درون خودش دارد با همه بی‌مبالاتی‌ها و ایثارگری‌هایی که در درونش وجود داشته، در دفاع از اسلام یک برآیند دارد. این برآیند را چگونه می‌توانیم بشناسیم؟ وقتی در مقایسه و مقایله و اصطکاک با جبهه مقابلش قرار می‌گیرد. این را با ارزیابی در درون نمی‌توانیم بشناسیم. البته موانع و دشمن همه چیز سز جایش بوده-وقتی می‌خواهید خودشان را راضی کنید و به خودتان نمره دهید باید بیرون را نگاه کنید که در اتفاقی افتاده. نمی‌توانید همین طور بیایید خودتان را راضی کنید.

پیروزمند: برای محاسبه نسبت ما با اسلام، باید سراغ تاثیر گذاری اسلام در به‌عقب‌نشاندن نظام فرهنگی لیبرال دموکراسی در قالب انقلاب بیابیم [و] آیا باید همین جا بحث کنیم.

اینکه بین جمهوری اسلامی و اسلام نسبت سنجی می‌کنیم، مراد ما تا انگیزه پنهانی ما نخطه جمهوری اسلامی نیست، هدف نیت، نقد و بازسازی جمهوری اسلامی براساس اسلام است. باید مدام جمهوری اسلامی را از غریبال اسلام رد کرد و دید چه چیزی می‌ماند و چه چیزی نمی‌ماند. [یعنی باید مراقب بود که کاری به نام و با ادعای اسلام اما ناسازگار با اسلام صورت نگیرد.]

نبوی: زمانی که یک بخشی از مسیری که قانون گذاری و سیاست‌گذاری کردید را رفتید و در عمل هم مسیرها را جلورفتید -البته موانع و دشمن همه چیز سز جایش بوده-وقتی می‌خواهید خودشان را راضی کنید و به خودتان نمره دهید باید بیرون را نگاه کنید که در اتفاقی افتاده. نمی‌توانید همین طور بیایید خودتان را راضی کنید.

پیروزمند: بیرون کجاست؟

نبوی: کف جامعه. سطح جامعه.

پیروزمند: می‌گویم این یک حد از ارزیابی است، فقط این نیست.

نبوی: قبول دارم. آن بحث را تمام کردیم. گفتیم برآیند را به دست می‌آوریم، موفق بودیم، موفق هستیم الان هم به خاطر این موفقیت‌هاست که این جنجال‌ها در دنیا برپاست.

پیروزمند: از این زودتر نشوید.

نبوی: شما می‌خواهید این شاخص را دست بگیرید وارد هر حوزه‌ای شوید...

پیروزمند: به‌ایدا.

نبوی: یعنی شما می‌فرمایید اگر ما به نسبت آنچه باید می‌بودیم و امروز نیستیم به‌اندازه‌ای که با همه فراز و نشیب‌ها و استقامت‌ها ناموفق را می‌کشند. الان موضوع ما این نیست. قرار بوده در همه حوزه‌ها بتوانیم به‌اندازه قابل قبول از خودمان کارنامه ارائه کنیم.

پیروزمند: نه.

نبوی: پس ما داریم خودمان را با خودمان می‌سنجیم. شما می‌آیید چند تریلمیون تومان بوجه هزینه فرهنگ می‌کنید بعد کارهای کلیشه‌ای نا کارآمد و تکراری فرهنگ را سوق می‌دهید، انتهای آن هم تبدیل می‌شود به یک نوع چیزی که بعضی از جلسات مداحی‌هایی پدید می‌آید که عین آن آهنگ کذایی را بازسازی

۱۹



۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹

۱۹</